خراسان روزنامه صبح ایران
یک‌شنبه ۸ بهمن ۱۳۹۶ . ۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۷۴۴

**غلامرضا نیک‌پی**
**(۱۳۵۸-۱۳۰۶ هـ.ش)**

سیاستمدار دوره پهلوی و از همکاران هویدا در دوران نخست‌وزیری وی بود. نیک‌پی در اصفهان متولد شد و به دلیل ارتباط با حسنعلی منصور در دوران نخست‌وزیری اش، توانست به مقامات عالی دست پیدا کند. نیک‌پی دوست صمیمی هویدا بود و به وی در اجرای نقشه‌هایش به منظور بیرون راندن رقبای سیاسی از عرصه قدرت کمک می کرد. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی، محاکمه و به اعدام محکوم شد.

## تاریخ معاصر

### یوسف بخشی؛ بدل یهودی ناصرالدین شاه

در این که ناصرالدین شاه قاجار یکی از عجیب و غریب‌ترین پدیده‌های تاریخ معاصر است، هیچ شکی وجود ندارد! بنابراین، داستان بدل او هم نباید چندان دور از ذهن باشد. داستان بدل ناصرالدین شاه از جایی آغاز شد که چندی پیش در یکی از سایت‌های جامعه کلیمیان ایران، از شخصی به نام یوسف بخشی نام برده و گفته شد او بدل سلطان صاحبقران بوده است. بر اساس آن‌چه در این سایت آمده، یوسف بخشی در سال ۱۲۳۱ خورشیدی (۱۸۵۲ میلادی) در خانواده ای یهودی در شهر تهران دیده به جهان گشود. پدرش نوازنده ویولن بود و از این راه زندگی می کرد. یوسف، از خردسالی، همزمان با تحصیلات ابتدایی در مکتب‌خانه، اصول و فن موسیقی را از پدرش فرا گرفت و با علاقه و استعدادی که از خود نشان داد، توانست خیلی زود در نواختن تنبک و ویولن تبحر پیدا کند. او مدتی با گروه نوازندگان پدرش، همکاری می کرد اما خیلی زود برای خودش گروهی تشکیل داد و مستقلاً به فعالیت‌های هنری پرداخت. یوسف در سال ۱۲۶۹، بر حسب تصادف، توانست به دربار قاجار راه پیدا کند؛ از آن به بعد در هر فرصتی، مجموعه‌ای از جواهرات نفیس را مستقیماً به خود شاه می‌فروخت و همین موضوع، باعث رونق کسب و کار و حصول اعتبار بیشتر برای او، بین درباریان شد. در همین دیدارها بود که برخی از درباریان، متوجه شباهت ظاهری وی با ناصرالدین شاه شدند و تصمیم گرفتند او را به عنوان بدل شاه، تعلیم دهند و استخدام کنند. با کمی آموزش رسم و رسوم دربار و عادت‌های شاخص ناصرالدین شاه، یوسف بخشی در مواقع ضروری، رسماً به عنوان بدل شاه فعالیت می کرد. طبق گزارش این سایت، یوسف بخشی، به جای شاه، در بسیاری از مراسم شرکت می کرد و به سفر می‌رفت. یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های وی، هنگام عزیمت شاه قاجار به فرانسه بود که در دهه ۱۸۸۰ به وقوع پیوست و بیش از یک ماه به طول انجامید و یوسف بخشی، طی این مدت، به خاطر آن که دشمنان از این غیبت سوءاستفاده نکنند، با لباس مبدل، ظاهراً مراقب امور را به دست گرفت و تا بازگشت شاه از فرنگ، وظیفه خود را به نحو احسن انجام داد. موضوع اصلی که این روایت را با شک و تردید روبه رو می کند، این است که دقیقاً نمی گوید با وجود داشتن بدل، ناصرالدین شاه چرا در روزی که خیلی‌ها می‌دانستند حادثه‌ای در شُرُف وقوع است و این مسئله را به خود او هم گوشزد کرده بودند، خودش، شخصاً تا زاویه مقدسه عبدالعظیم رفت و در آن جا، به تیر غیب میرزا رضای کرمانی دچار شد؟ ظاهراً یوسف بخشی، تمام عمر از دولت مواجب دریافت کرد و در سال ۱۳۰۷، در ۷۶ سالگی، بر اثر عارضه قلبی درگذشت.

منبع: تاریخ ایرانی

چگونه هویدا بیش از یک دهه، رئیس دولت ماند؟

# معمای نخست‌وزیری ۱۳ ساله!

گروه اندیشه
info@khorasannews.com

امیر عباس هویدا بر خلاف نام خانوادگی اش، معماهای زیادی را پس از پایان دوران نخست‌وزیری اش که طولانی‌ترین ریاست دولت در ایران محسوب می‌شود، به جای گذاشت و یکی از مهم‌ترین این معماها، به طولانی بودن نخست‌وزیری اش مربوط است. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، امیرعباس هویدا در زمستان سال ۱۲۹۸ متولد شد. پدر او، عین‌الملک، از وابستگان فرقه ضاله بهائیت محسوب می‌شد که با خرج این فرقه به اروپا رفته و تحصیل کرده بود. عین‌الملک هویدا، توانست افزون بر سفارت ایران در شام، مسئولیت سفارتخانه کشورمان در حجاز را هم به دست بیاورد. با این حال، او در اواخر عمر از چشم پهلوی اول افتاد و در انزوا مُرد. امیرعباس هویدا پس از به اتمام رساندن تحصیلات خود، رهسپار کشور لبنان شد و در آن جا زبان‌های فرانسه و عربی را آموخت. اگر چه دوست داشت در پاریس به تحصیل بپردازد، اما با توهینی که یکی از نشریات طنز پاریس به رضاخان کرد، روابط دو کشور تیره شد و هویدا از تحصیل در این کشور باز ماند. در سفر به انگلیس، زبان انگلیسی را نیز تا حدودی فراگرفت و در سال‌های پایانی دهه ۱۹۳۰ میلادی، موفق به کسب مدرک لیسانس در رشته علوم سیاسی از دانشگاه بروکسل شد. او پس از بازگشت به کشور، در اواخر دهه ۱۳۲۰، سال های موفقی را در هیئت‌های دیپلماتیک، شرکت ملی نفت ایران و حزب ایران نوین سپری کرد. پیش از آن که هویدا به نخست‌وزیری برسد، در کابینه حسنعلی منصور وزیر بود. دوران نخست‌وزیری منصور، دیری نپایید. او که سلطنت‌طلبی تمام عیار بود، به دلیل بردن طرح کاپیتولاسیون به مجلس، توسط یکی از اعضای مؤتلفه اسلامی، اعدام انقلابی شد. پس از کشته شدن منصور، شاه بی‌درنگ نخست‌وزیری را در بهمن ماه سال ۱۳۴۳، به امیر عباس هویدا، از دوستان منصور و معاون دبیر کل حزب ایران نوین واگذار کرد.

**■ آغاز نخست‌وزیری**

نگاهی به تاریخ دوران پهلوی، نشان دهنده این است که اغلب کسانی که در پست نخست‌وزیری قرار می گرفتند، به دلایل مختلف، از جمله داشتن ویژگی‌هایی مانند جاه طلبی و قدرت طلبی، به تدریج از عرصه قدرت کنار گذاشته می‌شدند؛ چرا که این ویژگی ها به نوعی با عقیده شاه، مبنی بر این که همه امور بایستی تحت تسلط و کنترل وی باشد، در تضاد بود. در این میان، دوران طولانی نخست‌وزیری امیر عباس هویدا، این پرسش را به ذهن متبادر می کند که چه دلایلی باعث شد تا وی به مدت طولانی، رئیس دولت باقی بماند و محمدرضاپهلوی را همراهی کند؟ می‌توان دلایل طولانی بودن نخست‌وزیری هویدا را در این موارد خلاصه کرد:

۱-توانایی هویدا در حذف رقبا: امیر عباس هویدا در ۱۳ سال نخست‌وزیری اش، ریاست کابینه ای متشکل از تکنوکرات‌ها را بر عهده داشت. وی به عنوان دستیار وفادار شاه، توانایی‌های خود را در زمینه متعادل یا خنثی کردن رقابت‌هایی که مقام او را تهدید می کرد، نشان داد. یکی از مهم ترین اقداماتی که امیر عباس هویدا برای حذف رقیب خود کرد، مربوط به منازعه عطاءا... خسروانی و غلامرضا نیک پی، دو تن از اعضای کابینه هویدا است. وقتی منصور به قتل رسید، شاه وظایف او را به دو قسمت تقسیم کرد؛ نخست‌وزیری را به هویدا سپرد و عطاءا... خسروانی را مسئول حزب کرد. هویدا که از ابتدا با خسروانی مشکل داشت و از وجود او در سمت دبیر کلی احساس خطر می کرد، تصمیم گرفت برای خود در حزب، جای پایی پیدا کند. هویدا برای برکناری عطاءا... خسروانی از دبیرکلی حزب و اخراج او از هیئت وزیران، متوسل به غلامرضا نیک‌پی، وزیر آبادانی شد و از وی خواست شرایطی را در هیئت دولت فراهم کند تا بین او و خسروانی کار به مشاجره بکشد. نیک‌پی آمادگی خود را برای این کار اعلام کرد و در یکی از جلسات پیشنهاد داد سازمانی به نام عمران شهری در وزارت کشور، باید ضمیمه وزارتخانه او شود. خسروانی به شدت عصبانی شد و وزیر کشور را به بی لیاقتی متهم کرد. کار به منازعه کشید و در همین زمان هویدا جلسه هیئت وزیران را ترک کرد و به اتاق خودش رفت. هویدا در ظاهر، موضوع را مختومه اعلام کرد اما وقتی تنها شد، تلفن مخصوص آبی رنگ را برداشت و تقاضای دیدار با شاه را کرد. وی به دفتر شاه رفت و اعلام کرد در کابینه‌ای که دو وزیر به یکدیگر فحش ناموسی می دهند، دیگر کار نمی کند. نقشه هویدا گرفت و شاه اعلام کرد به جای او، باید آن دو وزیر برکنار شوند و هویدا با خوشحالی در همان شب توانست شر عطاءا... خسروانی را از سر خود کم کند.

> در بررسی معمای ماندگاری هویدا باید به نکات گوناگونی اشاره کرد که مهم‌ترین آن ها را می‌توان، همسویی با شاه و تعریف و تمجید فراوان از وی، توانایی هویدا در حذف رقبا، حتی با توسل به حیله گری دانست

۲-همسویی هویدا با شاه: از مهم‌ترین اقدامات محمدرضاپهلوی در دوران سلطنتش، تلاش برای مدرنیزاسیون و توسعه بود. این مهم تا جایی پیش رفت که «یرواند آبراهامیان»، تاریخ‌پژوه مشهور، چرایی به وقوع پیوستن انقلاب اسلامی ایران را در «توسعه ناموزون» می‌داند که در آن، توسعه اقتصادی صورت گرفت اما توسعه سیاسی کنار گذاشته شد. هویدا به عنوان نخست‌وزیر سال های افزایش درآمد نفتی، یاور خوبی برای شاه بود تا به آرزوی توسعه اقتصادی او کمک کند. به نحوی که هویدا نیز، ضرورت مشارکت وسیع مردم را در تصمیم گیری‌ها منکر بود. او در عمل، در دوران نخست‌وزیری اش، دنباله‌رو شاه بود. درباره هویدا و ریشه های این «اقتصادزدگی»، باید به جوانب متعدد تجربیات و تمایلات فکری وی توجه کرد. اندیشه های سیاسی او در سال های دهه دوم قرن حاضر و درست همان سال‌هایی که مارکسیسم و به طور ویژه روایت استالینی آن هژمون بود، شکل گرفت. بیشتر مارکسیست‌های آن روزگار، به تأسی از استالین، بر این اعتقاد بودند که اگر بتوان زیر بنای اقتصادی جامعه را دگرگون کرد، روبنای فرهنگی و سیاسی نیز به توازن زیربنا دگرگون خواهد شد. بنابراین، هویدا هنگامی که به نخست‌وزیری رسید، بسیاری از باورهای سیاسی خود را کنار گذاشت و برای دستیابی به توسعه اقتصادی مدنظر شاه، با وی همراه و هم‌نظر شد.

۳-سرسپردگی هویدا و تمجید وی از شاه: هنگامی که هویدا به مقام نخست‌وزیری رسید، محمدرضا احساس آسودگی خیال و رضایت را در خود پرورش داد؛ زیرا شخصی بر مصدر امور قرار گرفت که مطیع محض شاه و متبوع وی بود. این آسودگی به گونه ای بود که شاه پس از گذشت دو هفته از نخست‌وزیری هویدا، برای تعطیلات زمستانی به پیست اسکی سن موریتس واقع در کشور سوئیس رفت و در قصر زمستانی که برای خویش ساخته بود، مشغول به خوشگذرانی شد. هویدا به سیاق نخست‌وزیر پیشین (منصور)، کسی نبود که بنای مخالفت با شاه را بگذارد و از برنامه خرید تسلیحات و تجهیزات توسط وی جلوگیری کند. مخالفت نکردن هویدا با شاه، همزمان با آغاز ریاست جمهوری جانسون در آمریکا بود و آمریکایی‌ها برای خرید تسلیحات نظامی با شاه همکاری می کردند. پرویز راجی درباره تملق گویی هویدا می‌نویسد: «هویدا بازیرکی خود، ضعف شاه را برای شنیدن تملق و به ویژه تمایل او برای مقایسه شدن با دوگل، تشخیص داد و با به بازی گرفتن این خصیصه در اخلاق شاه، بیگانگی و جدایی او را تشدید کرد». عباس میلانی نیز در کتاب خود، با عنوان «نگاهی به شاه»، به این موضوع اشاره می کند و هویدا را «بوروکراتیک فرمانبردار» می‌نامد.

**■ نتیجه گیری**

در بررسی معمای ماندگاری هویدا باید به نکات گوناگونی اشاره کرد که مهم ترین آن ها را می‌توان، همسویی با شاه و تعریف و تمجید فراوان از وی، توانایی هویدا در حذف رقبا، حتی با توسل به حیله گری، دانست. نخست‌وزیران قبل از هویدا، گاهی اوقات تمایل به استقلال رأی و بی‌توجهی به دستورهای شاه داشتند که با مخالفت وی همراه می‌شد؛ اما هویدا این گونه نبود و در برخورد با شاه، بی چون و چرا اطاعت می کرد.

## بازیگران تاریخ

### تقی‌زاده؛ روشنفکری که دلباخته غرب بود

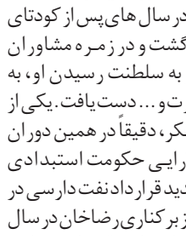

سید حسن تقی‌زاده سال ۱۲۵۷ شمسی در تبریز متولد شد و ابتدا، تحصیلات خود را با دروس مذهبی آغاز کرد؛ سپس، در دوران جوانی، با اندیشه‌های روشنفکران شبه مدرن آن زمان، همچون میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، طالبوف و روزنامه‌های فارسی زبان خارج از کشور، همچون اختر، ثریا، حبل‌المتین و حکمت که به تبریز می‌رسید، آشنایی پیدا کرد و به اندیشه‌های سیاسی اروپا، مشروطه‌خواهی و افکار تجددطلبی علاقه‌مند شد. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، او برای آشنایی بیشتر با نهضت‌های جدید، ابتدا به قفقاز و ترکیه سفر کرد و سپس در بیروت به فراگرفتن زبان فرانسه و انگلیسی پرداخت. به این ترتیب، تقی‌زاده در آن جا با ظاهر اندیشه‌های مدرنیسم و تجددخواهی به خوبی آشنا شد و در ادامه به تبریز بازگشت و به همراه محمدعلی خان تربیت، با سازمان‌دهی عده‌ای از آزادی‌خواهان و تجددطلبان دیگر، به انتشار مجله «گنجینه فنون» پرداخت که اصحاب آن، تماماً تحت تأثیر جنبش های انقلابی و آزادی خواهانه قفقاز و امپراتوری عثمانی و غرب بودند. پس از مدتی با اوج گرفتن نهضت مشروطه، تقی‌زاده که دلباخته تفکرات آزادی خواهانه و تجددطلبانه غرب شده بود، به صف مشروطه‌خواهان غرب‌گرا پیوست. این گروه از مشروطه‌خواهان، بر خلاف مشروطه‌خواهان مذهبی، خواستار حکومتی در چارچوب فرهنگ غرب بودند، حکومتی که در قانون اساسی و همچنین شورای ملی و ... غرب را الگوی خود قرار داده باشد. تقی‌زاده به عنوان یکی از روشنفکران شبه مدرن دوران مشروطیت، به هیچ وجه به فرهنگ و باورهای دینی ایرانیان توجه نداشت و تلاش می کرد قانون اساسی کشورهای غربی را، عیناً الگوی خود قرار دهد. تقی‌زاده در سال‌های پس از کودتای ۱۲۹۹ هـ.ش، به ایران بازگشت و در زمره مشاوران رضاخان قرار گرفت و پس از به سلطنت رسیدن او، به پست‌های مختلف وزارت، سفارت و ... دست یافت. یکی از نقاط تاریک فعالیت این روشنفکر، دقیقاً در همین دوران رقم خورد. او به عنوان وزیر دارایی حکومت استبدادی پهلوی اول، مسئول امضای تجدید قرارداد نفت دارسی در سال ۱۳۱۲ شمسی شد. پس از برکناری رضاخان در سال ۱۳۲۰، نمایندگان مجلس شورای ملی وقت، این خیانت تقی‌زاده را به او یادآور شدند و وی در مقام توجیه خود گفت: «من در آن قرارداد، فقط آلت فعل بوده‌ام.» تقی زاده در دوران سلطنت پهلوی دوم، به ریاست مجلس سنا رسید و در همین سِمَت بود که در ۸ بهمن ماه ۱۳۴۸، درگذشت.

## بستن فرودگاه‌ها؛ راهکاری که جواب نداد

گزارش تاریخی

همزمان با فرار شاه از کشور، اداره کلیه امور به شاپور بختیار واگذار شد. وی که پیش از این و در سال ۵۶، طی صحبت‌هایی خود را منتقد شاه معرفی کرده بود، تلاش زیادی برای به ظاهر هم‌صدا شدن با انقلابیون کرد ولی بلافاصله پس از انتخاب به عنوان نخست‌وزیر، به کلی موضع خود را تغییر داد و از هیچ اقدامی برای حفظ رژیم پهلوی کوتاهی نکرد. امام(ره) پس از فرار شاه، طی پیامی، خبر بازگشت قریب الوقوع خود به ایران را اعلام کرد. این خبر، با دو واکنش کاملا متضاد همراه بود؛ در یک سو انقلابیون بودند که پس از شنیدن این خبر، بیش از پیش به هدف خود نزدیک می شدند و در سوی دیگر، دولت بختیار قرار داشت که به معنای واقعی کلمه، فروپاشی رژیم پهلوی را احساس می کرد. از این رو، وی که هیچ امیدی به منصرف کردن امام خمینی(ره) از ورود به کشور نداشت، موضع خود را تغییر داد و در تلاش برآمد تا با برنامه‌های نظامی و عملیاتی مانع ورود امام به کشور شود. او به این منظور، چند طرح را دنبال کرد که عبارت بودند از: انفجار هواپیمای حامل امام(ره)، منحرف کردن مسیر هواپیما به کشوری دیگر و سپس دستگیری ایشان، ترور امام(ره) و در نهایت بستن فرودگاه مهرآباد.

**■ بستن فرودگاه‌ها**

هر چند برنامه‌های منظم و هزینه‌های هنگفتی برای اجرای هر کدام از این طرح‌ها، از سوی دولت بختیار در نظر گرفته شده بود، ولی هر کدام به طرق مختلف، ناکام ماند. تنها برنامه‌ای که بختیار توانست برای مدتی آن را اجرا کند، طرح بستن فرودگاه مهرآباد بود. نکته قابل تأمل این جاست که در این زمان، بختیار تلاش کرد با اجرای برخی اقدامات متضاد و متناقض، از قبیل آزادی زندانیان سیاسی، گسترش آزادی‌های مدنی و مطبوعاتی، صحبت با برخی از چهره‌های مطرح سیاسی مبارز و البته سرکوب جدی معترضان، لزوم بازگشت امام(ره) را به ایران، به حاشیه ببرد. اما هیچ یک از این آزادی‌های مشروط و موقتی، نتوانست تغییری در جریان انقلاب اسلامی ایجاد کند. از این رو، بختیار به همان تفکر برخورد انتظامی و امنیتی معمول در رژیم پهلوی بازگشت و در حالی که قرار بود هواپیمای امام(ره) در روز ۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ وارد مهرآباد شود، یک روز قبل دستور داد تمامی فرودگاه‌های کشور به مدت سه روز، بسته شود. همچنین وی به شرکت‌های بین‌المللی اعلام کرد ایران از پذیرش هواپیما تا اطلاع ثانوی معذور است. در این باره باید به این مسئله اشاره کرد که موضوع بستن فرودگاه مهرآباد، برای جلوگیری از ورود امام(ره) به تهران، پیش از دیگر طرح‌ها در جلسات شورای امنیت مطرح شده بود. علت آن نیز، این بود که بختیار به دلیل عواقب دیگر طرح‌ها، از آن ها صرف نظر کرد. در این جلسات، اعضا ضمن اشاره به موقعیت خطرناک موجود، ورود امام خمینی(ره) را به کشور، به منزله پایان رژیم پهلوی قلمداد می کردند. بنابراین، اگر چه فشارهای داخلی و بین‌المللی زیادی به دلیل بسته شدن فرودگاه‌ها بر دولت بختیار تحمیل شده بود، تا جایی که بسیاری از مردم اعلام کرده بودند خودشان برای بازگشایی فرودگاه‌ها وارد عمل می شوند اما بختیار و ساواک برای بستن فرودگاه‌ها پافشاری کردند و حتی با استقرار چند جنگنده و تانک نظامی، کوشیدند موجی از رعب و وحشت را در میان مردم و نزدیکان امام(ره) ایجاد کنند.

**■ پیامد یک تصمیم غلط**

تردیدی نیست که بختیار توانی برای حفظ رژیم پهلوی نداشت، علت آن، نه فقط به سبب سیاست‌ها و برنامه‌های متناقض و روحیه نه چندان مقتدر و ریاکارانه وی، بلکه بر اثر بیش از نیم قرن حکومت بر پایه استبداد، فساد، اسلام‌ستیزی و بیگانه‌پرستی خاندان پهلوی بود. بنابراین، با این میزان مشکلات، طرح وی مبنی بر بستن فرودگاه های کشور، نه تنها کارساز نشد، بلکه چند پیامد منفی نیز برای وی به همراه داشت؛ نخست این که اندک تصور مثبت برخی افراد درباره شخص بختیار، از بین رفت؛ دیگر این که تظاهرات مردم گسترده‌تر و فراگیرتر از قبل شد. این اقدام، اعتصابات گسترده‌تر کارکنان بخش های مختلف دولتی و اضافه شدن آن ها به صف انقلابیون را در پی داشت و در نهایت، اعتبار رژیم در سطح بین‌المللی از بین رفت. شدت اعتراضات پس از تصمیم جنجالی بختیار، مبنی بر بستن فرودگاه‌ها، به حدی بود که بلافاصله پس از آن، در بسیاری از شهرها، ادارات و نیروهای نظامی یا دست به اعتصاب زدند یا به انقلابیون پیوستند. در تهران، جمعیت بسیار زیادی به سمت فرودگاه مهرآباد به حرکت درآمد، روحانیون و دانشگاهیان نیز، به اعتصابات بسیار گسترده دست زدند. فردای پس از این خبر، شدت تظاهرات بسیار بیش از گذشته بود، به حدی که شهرهای بزرگی همچون تهران، اصفهان و مشهد، به حالت کاملاً نظامی درآمد و درگیری‌های متعددی در این شهرها اتفاق افتاد. در حقیقت باید گفت تصمیم بختیار مبنی بر بستن فرودگاه‌های کشور برای جلوگیری از ورود امام(ره) به کشور، نه تنها اقدام مثبتی برای حفظ رژیم پهلوی نبود، بلکه باعث تسریع در پیروزی انقلاب شد. بختیار با این تصمیم، در پی به تأخیر انداختن سفر امام(ره) به ایران بود تا از این طریق، ضمن گفت و گو با مبارزان داخلی پیرو حضرت امام(ره) و نیز جریان‌هایی که از سوی ایشان تأیید نشدند، بتواند همراه با تغییر رویکرد آن ها، اقتدار خود را نشان دهد. علاوه بر این، به دنبال برنامه‌ای برای ملاقات حضوری با امام(ره) در پاریس بود تا در آن جا، با وعده‌های دروغین، شرایط را برای استمرار رژیم پهلوی مهیا کند. ولی نوع واکنش جریان های داخلی و امام(ره) به تصمیم های بختیار، شرایط را به کلی برای رژیم پهلوی وخیم‌تر کرد. امام خمینی(ره)، پس از این تصمیم بختیار، گفتند که تنها در صورتی با بختیار مذاکره خواهند کرد که وی نیز، همچون جلال‌الدین تهرانی، از سمت خود استعفا دهد.

**■ بازی دو سر باخت بختیار**

در این جا باید به این نکته اشاره کنیم که هدف از تلاش بختیار برای مذاکره با امام(ره) در پاریس، تنها حفظ رژیم پهلوی نبود؛ در واقع وی در این برهه زمانی، می دانست که دیگر امکان حفظ رژیم وجود ندارد، به همین دلیل، با استعفای خود نیز به شرطی موافقت کرد که پس از آن، از سوی امام خمینی(ره) به عنوان نماینده رسمی انتخاب و مأمور تشکیل دولت انتقالی و همه‌پرسی شود. بختیار، با این اقدام، هم به دنبال حفظ قدرت پیشین خود بود و هم سعی داشت، کارنامه اش را پاک کند. اما این برنامه نیز با شکست مواجه شد و بختیار هیچ گاه فرصت رفتن به پاریس و دیدار با امام(ره) را پیدا نکرد.

**آگهی مزایده اموال منقول وغیرمنقول**
به موجب پرونده کلاسه اجرائی صادره از شعبه ۲۷ دادگاه حقوقی مشهد به شماره بایگانی اجرای احکام ۱۱۰/۲/۹۶۰۶۸۰ آقای مهدی جعفری محکوم است به پرداخت ۸۰ عدد سکه بهارآزادی ریال در حق خانم جواهر کریمی و نیز به مبلغ ۱۵۵/۰۰۰ ریال نیم عشر دولتی نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی نکرده است حسب تقاضای محکوم له اموالی به شرح ذیل در قبال اصل خواسته و هزینه دادرسی و نیم عشر دولتی توقیف توسط کارشناس رسمی دادگستری به شرح ذیل ارزیابی ومقرر گردیده در تاریخ ۹۶/۱۲/۲ از ساعت ۹:۱۵ الی ۱۰ صبح در مجتمع قضائی اجرای احکام مدنی مشهد واحد مزایده واقع در مشهد - بلوار مدرس- مدرس ۶ از طریق مزایده حضوری به فروش برسد مزایده از قیمت ارزیابی شده شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند واگذار خواهد شد طالبین به خرید می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر پنج روز قبل از برگزاری مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازدید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد ضمنا حداقل ۱۰٪ از بهای مورد مزایده نقدا و فی المجلس از برنده وصول خواهد شد هزینه های تنظیم سند و نقل و انتقال بالمناصفه و بدهی های معوقه به عهده فروشنده وتخلیه تابع مقررات قانونی بوده و ارتباطی به این اجرا ندارد. شرح اموال مورد مزایده: سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب منزل متعلق به محکوم علیه فاقد سند ثبتی و به صورت قولنامه ای واقع در مشهد، پل فجر، دریای دوم، خیابان شاهی ۲۲-۶ متری ولیعصر پلاک ۱۱۸ به مساحت عرصه ۷۵ مترمربع با ۵ متر حاشیه و دارای ساختمانی یک طبقه شامل هال، آشپزخانه و سرویس بهداشتی و حیاط می باشد دارای امتیازات آب و برق و گاز که ششدانگ ملک مطابق با نظریه کارشناسی به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال برآورد شده است که به میزان فوق به مبلغ ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به فروش می رسد.
م الف ۵۵۸۴۰
۹۶۲۲۰۶۹۹/م
مدیر واحد مزایده اجرای احکام مدنی - سیدمحمدرضا تشنگر

**شماره بایگانی شعبه : ۹۶۰۵۲۶**
**آگهی : وقت رسیدگی**
بشماره آگهی ۹۶۱۰۲۶۷۵۱۴۸۰۱۱۷ خواهان / شاکی آقای حمید رضا سرشار دادخواستی به طرفیت خوانده آقای ابوالفضل شکیبا خواسته الزام به تنظیم سند تقدیم دادگاه های عمومی شهرستان مشهد نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۳۱۸ شورای حل اختلاف مجتمع شماره شش شهرستان مشهد واقع در وکیل آباد - بلوار کوثر - کوثر شمالی ۱۵ ارجاع و به کلاسه ۹۶۰۹۹۸۷۵۱۴۸۰۰۵۲۴ و بایگانی ۹۶۰۵۲۶ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۶/۱۲/۱۴ و ساعت ۸ صبح تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن خوانده / متهم و درخواست خواهان / شاکی و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی ودستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا خوانده / متهم پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد. م الف ۵۶۷۲۹-
منصدی امور دفتری شعبه ۳۱۸ شورای حل اختلاف مجتمع شماره چهار شهرستان مشهد
۹۶۲۲۲۱۱۶/م

**شماره بایگانی شعبه : ۹۶۰۱۸۵ آگهی ابلاغ دادنامه**
شماره ۹۶۱۰۲۶۷۵۱۴۸۰۰۱۱۶
آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به خانم اعظم گلستانی فر که مجهول المکان می باشد ابلاغ می شود طبق اجرائیه صادره از شعبه ۳۱۸ در پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۷۵۱۴۸۰۰۱۸۴ و شماره بایگانی ۹۶۰۱۸۵ به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۵۱۴۸۰۰۶۲۰ صادره از شعبه ۳۱۸ محکوم علیه محکوم است به پرداخت مبلغ ۸۲/۶۰۰/۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و مبلغ سیصد و بیست و پنج هزار و پانصد تومان بابت هزینه دادرسی و مبلغ سی هزار تومان بابت هزینه درج آگهی و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید یک فقره چک مورخه ۹۵/۹/۱۸ تا یوم الاداء و حق الوکاله وکیل براساس تعرفه در حق محکوم له پرداخت نماید به انضمام نیم عشر دولتی در حق دولت بدیهی است با توجه به غیابی بودن حکم، اجرای حکم غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تامین متناسب از محکوم له. یا ابلاغ واقعی اجرائیه به محکوم علیه می باشد. لذا مفاد اجرائیه صادره یک نوبت در اجرای ماده ۷۳ ا. د. م و ماده ۹ قانون اجرای احکام مدنی در یکی از جراید کثیرالانتشار درج می گردد تا ظرف ده روز پس از انتشار آگهی نسبت به اجرای مفاد اجرائیه اقدام گردد. در غیر اینصورت واحد اجرای احکام طبق مقررات نسبت به اجرای مدلول اجرائیه و وصول هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود. م الف ۵۶۷۲۸- متصدی امور دفتری شعبه ۳۱۸ شورای حل اختلاف مجتمع شماره چهار شهرستان مشهد - سمانه وثوقی
۹۶۲۲۲۱۱۷/م